

# خرافه کتابسوزی



ناسیونالیستهای افراطی و ارتجاعی چگونه به مسلمانان  
تهمت میزنند؟

ابن خلدون و بیرونی آورده اند اکتفا نموده و دیگر  
زحمت تحقیق و بررسی کامل مطلب را بخود نداده  
است زیرا اگر چنان می کرد عکس منظور نتیجه  
می داد!

وی پس از مقدمه کوتاهی از عبدالرحمن ابن-  
خلدون چنین نقل می کند:

«وقتی که مملکت ایران بدست عرب مفتوح  
گردید کتب بسیاری در آن سرزمین بدست ایشان  
افتاد که «سعد بن وقاص» سردار لشکر عرب به عمر بن-  
الخطاب در خصوص آن کتابها نامه نوشت و در  
ترجمه نمودن آن کتب برای مسلمانان رخصت  
طلبد، عمر باو نوشت که آن کتابها را در آب افکن  
چه اگر آنچه در آنهاست وسیله هدایت است،  
خداوند ما را به بهتر از آن رهنمائی کرده است و اگر

مجله ای که ارگان زردشتیان ایران و محل  
تاخت و تاز ناسیونالیستهای افراطی است که با  
قلمفرسائیهای پر آب و تاب پیرامون عقاید زرتشت،  
می خوانند با يك «حرکت ارتجاعی» مذهب  
نیاکان را احیاء کنند و قبر نا معلوم زرتشت را  
نیش نمایند و باوشخصیت تازه ای بدهند، اخیراً در  
یکی از شماره های امسال خود مقاله ای درج نموده که  
گویا «مسلمانان» و یا به تعبیر زننده خود نویسنده  
«تازیان» ا بهنگام فتح ایران کتاب و نوشته های  
دین و دانش باستانی را در آب افکندند و یا بسوختند!  
و نویسنده محقق و دل سوخته که پیدا است چگونه  
از نابودی آنها آثار علمی و دینی باستانی پر ارزش  
موهوم!! در سوز و گداز است در اثبات چنین  
خرافه و تهمت ناجوانمردانه ای تنها به آنچه که

کرد کسی کتابی نزدش تحفه آورد امیر پرسید این چه کتابی است؟ گفت این داستان وامق و عذرا است و حکایتی است بسیار دلچسب و عالی که بروزگار انوشیروان فراهم آمده.

امیر گفت مآقرآن خوانیم و بجز قرآن و حدیث پینمبر چیزی نمیخوانیم؛ این کتاب تألیف مفان است و نزد ما مرود می باشد پس گفت تا آن کتاب را به آب افکندند و دستور داد تا هر چه از تصانیف معجم و مفان فراهم آید جمله بسوزانند !!

\*\*\*

این بوده‌ده تحقیقات دقیق آقای موبداردشیر آذرگشسب در مجله مزبور .  
حال بایی نظری ویی غرضی کامل به بررسی آنچه که گذشت می پردازیم :

۱ - عموم مورخین بی غرض و آزاداندیش به این حقیقت معترفند که علاقه امت اسلامی به علم و کتاب خارق‌العاده بوده است . قرآن کریم بزرگترین منبع عظیم اسلامی مکرر مردم را به تفکر و تدبیر دعوت کرده (۱) و به برتری اهل دانش و درجات آنها تصریح نموده (۲) و شهادت رسا - حبان علم را تالی شهادت خدا و ملائکه قرار داده (۳) که بقول غزالی این خود در فضیلت و کرامت علم

گمراهی است ، خداوند ما را از شر آن محفوظ داشته است ؛ لهذا آن کتب را در آب و یا آتش افکندند و علوم ایرانیان (۱۱) که در آن هامدون بود از میان رفت و بدست ما نرسیده .

سپس از آثار الباقیه بیرونی نقل می کند که :  
و چون قتیبه بن مسلم خوارزم را برای باردوم پس از مرتد شدن اهالی آن فتح نمود و اسگجموک را برایشان والی گردانید ....

«قتیبه» هر کس را خط خوارزمی میدانست و از اخبار و اوضاع ایشان آگاه و از علوم ایشان مطلع بود بکلی فانی و معدوم الاثر نمود ، و ایشان را در اقطار ارض متفرق ساخت ، و لهذا اخبار و اوضاع ایشان بدرجه ای مخفی و مستور مانده است که بهیچوجه وسیله ای برای شناختن حقایق امور در آن مملکت بعد از ظهور اسلام بدست نیست»

بعد عبارات دیگری را از «بیرونی» بنقل بود -  
داود در کتاب یشتها جلد دوم ، مبنی بر کشته شدن «هیربدان» اهل خوارزم و آتش گرفتن کتابهای ایشان بدست قتیبه بن مسلم ، نقل کرده و اینطور ادامه می دهد :

دولت شاه سمرقندی روایت می کند که امیر عبدالله بن طاهر بروزگار خلفای عباسی امیر خراسان بود ، روزی که بمسند نشسته و رتق و فتق امور می -

۱ - اولم ینظر وافی مملکوت السموات والارض . . . و آیات فراوان مشابه آن

۲ - قل هل یتوی الذین یعلمون والذین لایعلمون . . . یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین

اوتوا العلم درجات ..

۳ - شهادة انه لا اله الا هو والملائكة واولوالمقامات بالقسط .

بهیچ قوم و نژادی بستگی نداشت .

کافی است (۱) و همچنین احادیث زیادی که از پیامبر اسلام (ص) نقل شده حاکی از بزرگداشت هلم و علماء است .

و اینها موجب مزید رغبت مسلمین به علم و فرهنگ شد و آنها را به تأمل و تدبیر در اسرار کائنات برانگیخت ...

از همان روز که پیامبر اسلام (ص) فدیه اسیران جنگ بدر را تسلیم مسامین قرارداد (۲) و زید بن حارثه را مورد شد که از یهود خط عبری بیاموزد (۳) و جریانات مشابه دیگری که به امر و ابتکار شخص پیامبر انجام می گرفت ، نمودار این واقعیت بود که در نظر اسلام «علم» وطن نمی شناسد و مرزهای نژادی و جغرافیائی و ملی در زمینه آن ناشناخته و محکوم است و بنابراین مسلمان از غیر مسلمان می تواند فراگیرد و بیاموزد ...

در حقیقت این اسلام است که انسانی بودجهائی نه شرقی و غربی ، جامعه اسلامی هم که وارث این تمدن عظیم بود ، جامعه ای بود همجنس که مرکز آن قرآن بود ، نه شام و نه عراق ؛ در قلمرو آن نه مرزی موجود بود نه نژادی ، نه شرقی در کار بود نه غربی در مصریک خراسانی حکومت می کرد و در هندیک ترك ، غزالی در بغداد کتاب راجع به فلسفه مینوشت و ابن رشد در اندلس به آن جواب میداد .

اسلام فرهنگی ساخت دارای روح اسلامی ،

۱ - احیاء العلوم ۱/۱

۲ - هر اسیری در برابر خط و سواد آموختن به ده نفر مسلمان آزاد می شد .

۳ - اسدالغابة ج ۲/۲۲۲

\*\*\*

۲ - تهمت کتابسوزی به ملتى كه خود  
پرچمدار كتاب و علم بوده ؛ افسانه‌ايست  
مضحك و چندان آور ! ..

در قرآن و حديث كوچكترين مجوزى براى  
چنين عملى در دست نيست ، بلكه برعكس شواهد و  
دلایل روشنى وجود دارد كه حرمت آثار مكتوب  
علماء را توصيه مى‌كند و براى علم و علماء ارزش خاصى  
قائل مى‌شود و در اين كار نظر تبعيضى به مسلمانان  
و نامسلمانان ندارد .

در دستورالعملهاى خلفا به فرماندهان اعزامى  
بسى كشورهاي ديگر براى جهاد در راه دين ؛  
همواره محافظت آثار دينى و عمرانى هر محلى توصيه  
مى‌شده و در عهد نامه‌هاى مختلفى كه بين اين  
سرداران با مردم شهرهاى مصر و سوريه و فارس  
و بحرین و عراق و آذربايجان بسته شده ، نگهدارى  
آثار و مراعات اعتقادات و عبادات مردم بومی ، مواد  
اساسى اين پيمان‌ها را تشكيل ميداده است .

در اسناد اوليه تواريخ اسلامى كه از سده دوم  
هجري بدین طرف صورت مدون آنها براى ما به  
يادگار مانده است كوچكترين اتفاقى كه نمونه

چنين عمل نامطلوب محسوب گردد ، در اينگونه  
مدارك اصلى ديده نمى‌شود . عيسويان مصر و شام در  
همين زمينه آثاری نوشته و بيادگار گذارده اند اما  
در هيچ يك از آنها اشاره‌اى به حدوث چنين اتفاقى  
نرفته است . در مجموعه آثار تاريخى و جغرافيايى  
قصص و روايات ادبى منقول از سده دوم تا ششم  
هجري هنوز واقعه‌اى كه حكاييت از سوزاندن و به  
آب افكندن آثار نخستين و كتب قبل از اسلام باشد  
ديده نشده است (۱)

**حتى گوستا و لبون مى‌نويسد :** « همين-  
قدر مينويسم كه يك همچو حركت وحشيانه‌اى تا  
اين اندازه مخالف با وضع و عادت اين فاتحين بوده  
كه فوق العاده باعث تعجب است كه يك  
همچو افسانه مهملى چگونه قبول شده و  
شهرت يافته است . ليكن در عصر حاضر بطلان  
اين خرافه بقدرى ثابت و محقق است كه ديگر محتاج  
به بررسى و تحقيق نيست آنچه معلوم و مبرهن است  
اين است كه قبل از اسلام خود نصارى همانطور كه  
خدایان و معابد اسكندريه را منهدم ساختند كتابخانه  
آنجا را هم بكلى سوزانيدند و زمان فتح اسلامى  
كتابى باقى نبود تا بسوزانند (۲) و بل دوران ت (۳) و  
بانو دكتروهنكه (۴) و زان ديون پورت (۵) و

۱ - وحيد شماره ۱۰۹

۲ - تمدن اسلام و عرب ص ۲۷۵

۳ - تاريخ تمدن ج ۱۱ ص ۲۱۹

۴ - شمس العرب تطلع على الغرب ص ۳۶۲

۵ - عذر تقصير به پيشگاه محمد و قرآن ص ۱۲۹

بسیاری دیگر از مسیحیان در این قضیه با گوستا و لیبون هم آوازند

آیا از قرائن و احوال نمی‌توان استنباط کرد که در جعل چنین افسانه‌ای سرانگشت عوامل صلیبی کینه توزدخالت داشته تا بدینوسیله از شدت عیب جنایات آنها؛ کشتن دهها هزار نفر مسلمان در بیت المقدس و سوزاندن بزرگترین کتابخانه آن زمان در طرابلس؛ کاسته شود؟!

و دنباله‌ی چنین جعل و دروغ شاخداری! در قرون اخیر که استعمار، اقلیتها را بزبان اسلام تحریک میکرد، زرتشتیان یا ناسیونالیستهای افراطی افسانه کتابسوزی اسکندریه را به مدائن کشیده، بجای اسکندریه مدائن و بجای عمرو عاص سعد و قاص گذاشته‌اند!!

حق آنست که در حدود دو قرن پیش از سیطره مسلمانان بر آن سامان؛ کتابخانه تقریباً خالی از کتاب بوده و چندین دفعه کتابخانه عظیم اسکندریه پیش از اسلام گرفتار حریق شده (۱) و دیگر آنقدر کتاب نمانده بود تا عمرو عاص بقول ابن عبری آنرا میان حمامهای شهر برای تأمین سوخت تقسیم کند. (۳)

بقیه دارد

بقیه از صفحه ۵۶

اوراق مضاربه کوچک مثلاً پانصد ریالی بجای اوراق قرضه منتشر نماید و نیز در مورد حساب پس انداز ازده ریال هائیز استفاده کنند؛ لازم نیست که هر پولی را مستقلاً به مضاربه دهد بلکه پولها را روی هم ریخته و اگر صد هزار تومان مثلاً بکسی به مضاربه میدهد؛ مانعی ندارد که این پول ملك مشاع صدها نفر باشد که بانك به وکالت از آنها به مضاربه داده‌است و چون نرخ سود هم برای همه یکسان است؛ بانك همه سودها را روی هم ریخته بموجب وکالتی که دارد سهم مضاربه دهندگان را می‌پردازد و مزادش را خود بر میدارد (بابت حق وساطت و نیز بابت جبران سوختها و خسارتهائی که احياناً بخاطر زیان مضاربه- پذیر متوجه بانك میگردد).

بانك اسلامی چگونه سود را تضمین میکند؟

درست است که گاه مضاربه پذیر دچار زیان می‌شود یا اصلاً سرمایه‌اش از بین میرود و مطابق فقه اسلامی این زیان بهمده مضاربه دهنده است نه مضاربه‌پذیر؛ ولی از آنجا که گفتیم بانك برای هر سرمایه‌ای حساب مضاربه مستقلی بازمی‌کند بلکه پولها را روی هم

(۱) - تراث العرب العلمی فی النلك والرشیات - تألیف حافظ قدری طوفان - بحث ویژه‌ای بقلم پرفسور سارتن تحت عنوان «علم نزد عرب» در مجله Journal Of world history - اسلام و فرهنگ قرن بیستم ص ۷۲ .

۳ - کارنامه اسلام ص ۳۶

میتواند مانند سایر بانکها وقتی تعیین کند مثلاً یکساله، دو ساله، و بیشتر، و تردیدی نیست که در ظرف این مدت چندمر تبه سرمایه به بانك برمی گردد، و چون مکرر گفتیم که بانك با مجموعه پولها بطور مشاع کار می کند اگر احياناً سرمایه ای مدتی معطل ماند، در مجموعه پولها اشکالی پیدا نمی شود، و بانك قدرت دارد که اصل سرمایه مضاربه دهنده را (در صورتیکه سرمایه را بطور معین به مضاربه داده باشد) و قیمت آنرا در صورتیکه سرمایه را بطور مشاع به مضاربه داده باشد) به مضاربه دهنده پس دهد، و سود را با همان نسبت حساب نماید.

و نیز بانك اسلامی، همانند سایر بانکها همیشه مقداری از سرمایه اش را بطور نقد نگاهداری مینماید. حسابهای جاری نیز برای او بهترین وسیله است (همانطور که برای سایر بانکها) و از این جهت میتواند به صاحبان پس انداز نیز اطمینان بدهد که هر موقع خواستند میتوانند از دفتر چه پس انداز خویش دریافت کنند. بانك اسلامی میتواند برای جلب سرمایه های بیشتر و تشویق مردم به پس انداز، در موقعیت های مناسب هدایایی نیز به صاحبان حساب پس انداز ویاسپرده های ثابت تقدیم نماید؛ بطوریکه با مقررات دولتها نیز منافات نداشته باشد، و بطوریکه تجربه نشان داده است این هدایا در جلب سرمایه ها، میتواند، کمک بسیار مؤثری باشد دنبال دارد

میریزدوبه و کالت از همه، پول را به مضاربه میدهد، آنگاه زیان يك یا چند مضاربه در مجموع صدها مضاربه؛ تأثیر چندانی ننموده و بالاخره به سود مضاربه دهنده لطمه ای وارد نمی آورد.

توضیح اینکه بانك باید بکوشد همیشه به مشتریان صدیق و راستگو، پول به مضاربه بدهد، و نیز دایره ای داشته باشد که در کار تجارت و دادوستد بصیر و بینا باشند. و همیشه در صدد باشند کارهای سودآور را تشخیص داده مشتریان خود را راهنمایی کنند و نیز در کار آنها نظارت داشته باشند و احياناً دفاتر شان را کنترل کنند تا دروغ نگویند و سود را زیان جلوه ندهند و مواظب ترقی و تنزل بازار بوده مرتب مشتریان را در جریان، بازار بگذارند؛ با همه این پیش گریها احتمال زیان خیلی کم بوده، و اگر هم زیانی احياناً داشته باشد، خود بانك میتواند این زیان را جبران کند. و البته راه های مشروع دیگری نیز معرفی خواهیم کرد که با استفاده از آنها بانك بتواند سطح درآمد خود را بالا برده و اینگونه خسارتها را جبران نماید بدون اینکه دچار کودپا و ورشکستگی شود. و با مجبور شود همانند بانکهای ربوی، بازرگان ورشکست را در فشار گذارده کاسه کوزه اش را حراج نماید.

**بانك اسلامی چگونه پول مردم را بموقع پس میدهد؟**

در مورد سپرده های ثابت، بانك اسلامی